

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

موسوی

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۹

"قسمت اول"

مختصری بر، دروغ های

"جناب" صدراعظم سلطان علی کشتمند

۱۷

به ادامه گذشته:

بدون این که در اینجا به خود اجازه و زحمت دفاع از امین را بدهم، چه او نیز تجسم کاملی از یک عنصر (حدخا) دشمن و قاتل صدها هزار افغان بیگناه و آله دست امپریالیزم شوروی بوده و دستانش از مرفق بالاتر به خون خلق ما آغشته است، گفته های "جناب" صدراعظم و سایرین را اندکی در زمینه باز می کنم:

نه تنها در دنیای معاصر امروز بلکه از قدیمترین ایام به خاطر پیدا کردن قاتل و بازکشائی معمای یک قتل اولین نکته ای که توجه موظفان کشف را جلب می نمود، کشف انگیزه قتل و یا جرم می باشد. در ثانی این که چه کس و یا کسانی از انجام آن عمل (قتل، اختطاف و یا سرقت) نفع برده اند. سوم آن که چرا و به چه علت زمان و مکان جرم انتخاب گردیده و چهارم آن که جرم و یا قتل به وسیله چه و توسط چه کسانی صورت پذیرفته است؟ و به همین ترتیب جزئیات دیگری که با تأسف صاحب این قلم را بر آنها اشرافی نیست.

با در نظر داشت تمام مطالب بالا چه کسی می توانست به غیر از پرچم (ببرک به ویژه) انگیزه ای قویتر و منفعت بیشتر از قتل خیبر داشته باشد و برده باشد؟

۱ - رابطه ببرک و خیبر تیره و آشتی ناپذیر شده بود.

۲ - موقعیت خیبر در حزب همیشه می توانست باعث درد سر ببرک گردد.

۳ - موضعگیریهای خیبر و ببرک در بسا موارد در تقابل و تضاد آشکار قرار داشت.

۴ - خیبر به طرف دشمنان خونی ببرک (تره کی و امین) گرایش پیدا کرده بود.

۵ - به مثابه دو جاسوس دو جانبه در تقابل خونین قرار گرفته بودند.

۶ - از طرف ببرک تجرید، خلع ید و تهدید به مرگ شده بود.

خواننده محترم، اکنون خود بگوئید که داوود از کشتن یک همکار صديق خود چه نفع می توانست داشته باشد و یا این که امین و تره کی از کشتن حریف، حریف خود (ببرک) چه منفعتی داشتند؟

اینجاست که می باید در متقاعد ساختن بیروی سیاسی (حدخا) به خاطر تصفیۀ جسدی خیبر، ببرک نقش قاطع و برانزده ای ایفاء کرده باشد، (اهمیت مسأله زمانی آشکار می گردد که هیچ یک از اعضای بیروی سیاسی با تمام لجن پراگنیهای که علیه یک دیگر داشتند، مطالب آن جلسه به ویژه فیصله های داخل گاراژ را افشاء و علنی نکردند و به علاوه هیچ گاهی "تره کی" در ملاء عام ببرک را و ببرک در ملاء عام "امین" را و همچنان به عکس، متهم به انجام آن عمل نکردند، چه خود می دانستند که هرگاه هریک از آنها در این زمینه آغاز به سخن کند، دیگر توانائی جمع کردن آن را نخواهند داشت. مطمئناً این مسأله زمانی کاملاً افشاء خواهد گردید که دسترسی به متن جلسۀ مخفی (حدخا) و نتایج تحقیقات پولیس داوود امکان پذیر گردد، امری که کمتر محتمل به نظر می رسد، آنچه باقی می ماند برش قاطع یک و یا تئی چند از اعضای بیروی سیاسی آنوقت (حدخا) از تعهدات بین المللی شان در بارۀ شوروی آنوقت است که می تواند با افشای محتوای آن جلسه، مرگ خیبر را نیز کاملاً بازکشائی کند.

با آن که برای ببرک همیشه مقدور بوده تا با تکیه بر باند لومپن های حزب که قبل از آن سخن رفت، به چنین عملی دست یازد، اما ترس از افشای آن وی را وادار ساخته تا در اسرع وقت ممکن از سفارت کمک بخواهد، سفارت که خود نیز به یقین قبلاً در جریان قرار داشته و چه بسا لودهنده اصلی خیبر بوده است، با اعزام "اوبلوف" به زندگی خیبر پایان داده است. زمان عملیات درست یک ساعت بعد از ختم جلسۀ بیروی سیاسی و به تعقیب آن ظرف همان ساعات اولیه در جریان قرار گرفتن تمام اعضای کمیته مرکزی حزب با شناختی که آن زمان از تحرک پرچمیها و ترس آنها از داوود داشتیم خود گواهیست محکم براین که: لااقل اعضای بیروی سیاسی (حدخا) در جریان قضایا از همان آغاز قرار داشتند. این در صورتیست که ببرک خواسته باشد تمام حزب را به دنبال خود بکشاند در غیر آن بنابر فضای عدم اعتمادی که وجود داشت به یقین بیروی سیاسی شاخه پرچم در جریان توطئه قتل خیبر قرار داشته اند.

با این وسیله آنها قادر شدند نه تنها کاری را که خود انجام داده بودند به گردن دولت داوود که بدون آنها در جنایت به قدر کافی شهره بود بیندازند بلکه دولت داوود را از چشم (موجودیت خیبر) کور نموده و در تاریکی تقریباً تاری بر آن حمله آورند و برنامه ای را که به یقین از استعداد رهبران (حدخا) بالاتر بوده و با اطمینان در سفارت تحت نظر مشاوران نظامی روسی و چه بسا شخص پوزانف سفیر شوروی تدوین و توسط کوماندوهای خود آن کشور عملی شده باشد، به اجراء گذارند.

که اگر غیر از این می بود و دست شوروی و تمام (حدخا) در قتل خیبر دخیل نمی بود به یقین همانطوری که "جنرال" نبی عظیمی، غوربندی و دیگران یادآوری نموده اند، رژیم کودتای ثور لااقل یکی دو مارش برای آن "استاد بزرگوار حزب" شان ترتیب می دادند که چنین نکردند، به علاوه بر همه روشن است که نجیب و خاد با یگانه دختر باقیمانده از خیبر و خانمش چه نبود که نکردند که من در اینجا محض به خاطر حفظ آبروی دو قربانی (حدخا) از توضیح بیشتر آن خوداری می کنم.

و اما در رابطه با شخص غوربندی که از طرف برخی ها متهم به همکاری با قاتل گردید، باید نوشت: یا وی آگاهانه با اطلاع از برنامه ببرک و (ک. ج. ب.) بدین عمل دست یازیده و اکنون که فضا یا دگرگون شده و به اصطلاح پایش را در "تلک خرس" بند نمی بیند به خاطر "آرامش وجدان" به چنین افشاگری دست می یازد در غیر آن باز هم نقشه دقیق (ک. ج. ب.) و ببرک بوده است که می باید در قتل خیبر، غوربندی را در مظان اتهام قرار دهند تا از یکطرف به اصطلاح دوستی را به قتل رسانیده و از جانب دیگر بر دهن پشتیبان و افشاء کننده احتمالی پوزبند سکوت زده باشند.

ادامه دارد